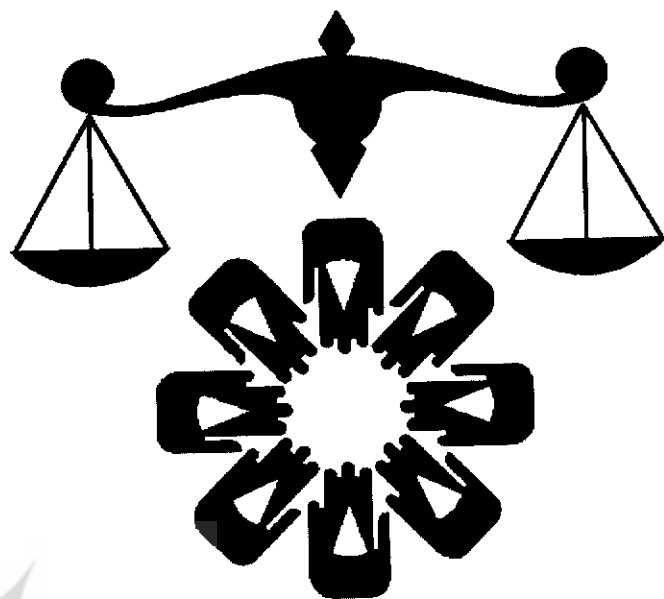


رأی وحدت رویه دیوان عالی کشور



دادنامه

شماره تجدیدنظر پرونده ردیف ۱۸/۸۰ هیئت عمومی
شماره تجدیدنظر: ۷۴۳۸/۵.۷

تجدیدنظر خواه: آقای سید محمدصادق وکیل متهمین و متهم
ردیف یک بابک....

تجدیدنظر خواسته دادنامه شماره ۴۸۴ - ۷۹/۴/۳۰ صادره از
شعبه ۲۶ دادگاه عمومی اهواز

تاریخ ابلاغ دادنامه به تجدیدنظر خواه: ۷۹/۵/۲۹

تاریخ وصول دادخواست تجدیدنظر: ۷۹/۵/۳۱

مرجع رسیدگی شعبه ۷ دیوان عالی کشور

هیئت شعبه آقایان: حسن مصباح و سیدمحمد باقر مهدی

کرمانی

خلاصه جریان پرونده:

به شرحی است که در گزارشها و دادنامه‌های سابق به شماره
های ۷۱/۱۵۶. ۷۶/۵/۸. ۷۱/۶۲۳ و ۷۷/۱۱/۲۴. ۷۷/۲۳۶. ۷۱/۵/۴
بیان شده است که از بیان تکراری گزارشهای سابق و نیز متن
دادنامه‌های صادره در دادگاههای عمومی (شعبه ۱۳ و ۴ و ۲۶)
اهواز جهت رعایت اختصار خودداری و صرفاً حاصل یکی از
دادنامه‌های بدوی و نیز یکی از گزارشها و دادنامه‌های این شعبه
بیان می‌گردد:

آقایان ۱. بابک (۲۱ ساله) ۲. علیرضا (۱۸ ساله) فرزندان
امیرخون...، اولی سرباز وظیفه سپاه و دومی محصل؛ هر دو نفر
به اتهام شرکت در ایراد جراحات عمدی منتهی به قتل حسن علی....

فرزند محبیس تحت تعقیب شعبه ۱۳ دادگاه عمومی اهواز قرار
گرفته‌اند. بدین شرح که مقتول کراً برای خواهر متهمان ایجاد
مزاحمت نموده و حتی دو مرتبه شبانه وارد حریم منزل آنان شده
که پس از دستگیری به عنوان سرقت علیه او اعلام شکایت کرده‌اند
و در هر دو مرتبه قضیه منتهی به گذشت گردیده و نهایتاً در روز
حادثه، مقتول با منزل متهمان تماس تلفنی گرفته که خواهر متهمان
به نام زینب تلفن را برداشته و اعلام می‌کند همان مزاحم است و
پس از آن متهمان هر یک. یک قبضه کارت برداشته و به همراه
یکدیگر به سمت بنگاه محل کار مقتول رفته ابتدا متهم ردیف یک
جراحی به شکم او وارد می‌کند و پس از آن، متهم ردیف دوم که
ظاهراً به فاصله چند لحظه‌ای به محل درگیری رسیده سه ضربه
به طرف او وارد می‌سازد. متهم ردیف یک در تمام مراحل تحقیق
می‌گوید: با همین کارت زرد رنگ به او حمله کردم و یک ضربه به
شکم او زدم و برادرم دو ضربه با کارت قهوه‌ای رنگ به او زد. (۸ و
غیره) متهم ردیف دوم نیز می‌گوید: تمام اظهارات برادرم را قبول
دارم. (۷ و غیره) از خواهر متهمان نیز تحقیق شده که اظهارات او
منعکس شده. (۹ و غیره) دادگاه مرجوع‌البیه طی دادنامه شماره
۷۶/۲/۲۹. ۲۰۲ با اعلام احراز بزه انتسابی (ایراد جرح عمدی منتهی
به قتل) نسبت به متهم ردیف یک مستنداً به مواد (۲۰۶) و
(۲۰۵) و (۲۳۲) قانون مجازات اسلامی، او را به قصاص نفس
محکوم نموده و متهم ردیف دوم را از حیث شرکت در قتل عمدی
تبرئه کرده و از حیث ایراد جراحات عمدی مستنداً به تبصره "۳"
ماده (۲۶۹) و مادتين (۲۷۷) و (۴۹۴) قانون مذکور، به تحمل دو
سال حبس تعزیری و پرداخت یکصد و هشتاد و شش هزار تومان
به عنوان ارزش در حق اولیای دم محکوم نموده است.

پس از ابلاغ رأی دادگاه، وکیل متهمان و نیز متهم ردیف یک
و اولیای دم نسبت به براءت متهم ردیف دوم از حیث شرکت در
قتل عمدی اعتراض و تجدیدنظر خواهی نموده‌اند و پرونده در این
شعبه رسیدگی و طی دادنامه شماره ۷۱/۱۵۶. ۷۶/۵/۸. به این مضمون
انشاء رأی گردیده:

۱. در هیچ یک از نظریات پزشکی، مباشر در جرح عمیق
عمدی منتهی به قتل شناسایی و معرفی نشده.

۲. دادگاه راجع به انگیزه ایراد جراحات وارده از سوی متهمان به
مقتول بررسی نکرده، در حالی که بررسی آن در تشخیص نوع
جنایت و قتل و مجازات مترتب بر آن مؤثر است. توضیح این که:
اظهارات متهمان و خواهر و والدین آنان گویای اعمال و رفتار وقیحانه
و جسورانه مقتول برای ایجاد رابطه نامشروع و حتی تجاوز به

حریم خانه آنان در شب می‌باشد و براساس موازین فقهی (تحریر الوسیله ۴۷۸/۱ تا ۴۹۲ م ۴ و ۶ و ۸ و ۲۷ و ۳۰ و ۳۵ و غیره) هرگاه شخصی اقدام به تجاوز به ناموس و حریم اقربای شخصی نماید، با رعایت شرایط امر به معروف و نهی از منکر حتی می‌تواند آن شخص، او را به قتل برساند و جنایت و دم طرف هدر می‌باشد و اعمال و رفتار متهمان و والدین و خواهر آنان حاکی است که به شیوه ممکن او را منع و نهی نموده‌اند که مؤثر واقع نشده.

۳. همان گونه که در مدافعات و اعتراض متهم بیان شده، حق این است که جنایت و جراحت منتهی به قتل مردد است بین متهمین یاد شده که طبق ماده (۳۱۵) قانون مجازات اسلامی، با قید قرعه دیه مقتول باید پرداخت گردد و طبق موازین فقهی (جوهر ۹۰/۴۲ تا ۹۳ و ۲۱۸/۴۳ تا ۲۲۳) دیه مقتول را باید اطراف شبیه محصوره پرداخت کنند.

۴. در خصوص متهم ردیف دوم، تبصره استنادی دادگاه مصداق ندارد و تعیین مجازات حبس برای وی موجه نیست.

۵. دادگاه بر خلاف ادعای اولیای دم که مدعی شرکت در قتل هستند، رأی بر براءت متهم موصوف صادر کرده و دیه (ارش جنایات) را تعیین نموده در حالی که از سوی اولیای دم درخواست آن نشده و از طرفی، چون موضوع حق الناس است، طبق موازین فقهی (تحریر الوسیله ۴۱۷/۲ تا ۴۱۹) در این گونه موارد بدون رعایت مقررات (البینه علی المدعی و الیمین علی المنکر) نمی‌توان رأی بر براءت صادر کرد؛ و به این ترتیب، دادنامه تجدیدنظر خواسته وفق بند (د) شق ۲ ماده (۲۳) قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب، نقض و پرونده جهت رسیدگی مجدد به دادگاه هم عرض در همان حوزه قضایی ارجاع می‌گردد.

پس از آن، پرونده جهت رسیدگی به شعبه ۴ دادگاه عمومی اهواز ارجاع و دادگاه مرجوع الیه پس از رسیدگی ماهیتی، در دادنامه شماره ۱۴۵۲ - ۷۷/۹/۳۰ مفاداً چنین رأی داده است: با توجه به محتویات پرونده و اقرار صریح متهم ردیف یک به ایراد جرح با چاقو به ناحیه جلوی شکم مقتول و اقرار متهم ردیف دوم بر وارد نمودن دو ضربه با چاقو به مقتول، بزه انتسابی از نظر دادگاه ثابت است و ایراد شعبه دیوان عالی کشور بر این که مباشر ایراد جرح منتهی به قتل روشن نیست، موجه به نظر نمی‌رسد... و انگیزه ارتکاب قتل، مزاحمت های مکرر مقتول برای خواهر متهمین بوده که با فرض صحت ادعا به لحاظ سهولت طرح شکایت، اقدام متهمان قابل توجیه نیست و دادگاه قتل را مردد بین دو متهم نمی‌داند، بلکه منتسب بر متهم ردیف یک می‌باشد. لذا طبق مواد (۲۰۶ و ۲۰۵ و ۲۳۱ و ۲۳۲) قانون مجازات اسلامی، متهم ردیف یک به قصاص نفس محکوم می‌گردد و به لحاظ بیم تجری مرتکب و

دیگران، متهم ردیف دوم طبق تبصره ماده (۶۱۴) قانون یادشده، به تحمل یک سال حبس تعزیری با احتساب ایام بازداشت قبلی و مستنداً به مواد (۳۶۷ و ۲۷۷ و ۴۹۵) قانون یادشده، به پرداخت مبلغ چهار صد هزار ریال به اضافه مبلغ نهد و شصت هزار ریال به عنوان ارش در حق اولیای دم محکوم می‌گردد و از حیث شرکت در قتل عمدی تبرئه می‌گردد.

پس از ابلاغ رأی دادگاه، وکیل محکوم علیه ردیف اول (بابک ...) نسبت به آن اعتراض و تجدیدنظرخواهی نموده و پرونده به لحاظ سابقه به این شعبه ارجاع گردیده و طی گزارش بعدی و دادنامه تفصیلی شماره ۷/۶۲۳ - ۷۷/۱۱/۲۴، با اشاره به پرونده‌های دیگر مقتول و متهمین در ارتباط با ایجاد مزاحمت مقتول و اعلام شکایات متهمان و خانواده آنان و مدافعات متهمان در مراحل مختلف تحقیق که در همین رابطه مطرح شده و نیز بیان جزئیات نظریات کارشناس پزشکی که لازم است در این مرحله نیز تکرار شود، به شرح ذیل رأی داده است: «سازمان پزشکی قانونی اهواز طی شماره ۲۹۰ - ۷۵/۲/۲۰ به این شرح نظر داده است: اثر اصابت جسم نوک تیز و برنده به طول ۲ سانتی متر که به درون قفس سینه وارد شده مشهود است در شکم جسم نوک تیز به ناحیه میانی و بالای شکم مشهود است که وارد حفره شکم شده و سبب پارگی کبد ... و یک عدد بریدگی به ابعاد حدود سه سانتی متر در زیردنده و سمت چپ که بر حفره شکم وارد شده مشهود است... پارگی عمیق که به طول حدود هفت سانتی متر و عمق حدود شش سانتی متر در زیر بغل راست می‌باشد مشهود است... بر اساس شرح معاینه جسد، علت مرگ خونریزی شدید داخلی در اثر اصابت جسم نوک تیز و برنده و در ناحیه قدامی و پایین شکم بوده که باعث پارگی احشای شکم شده و سبب مرگ است و تعداد چهار ضربه به متوقفا وارد شده. (۲۶) و چند مورد نظریه پزشکی به همان مضمون ضمیمه است (۲۹ و ۴۱ و غیره) و بر اساس دستور شعبه ۱۳ دادگاه عمومی اهواز، ریاست پزشکی قانونی اهواز در جلسه دادگاه حضور یافته و پس از بیان آثار و جراحات مذکور نهایتاً چنین نظر داده: تعداد ضربه‌ها چهار عدد و اصابت جسم نوک تیز و برنده به شکم باعث پارگی احشای حیاتی داخل شکم و خونریزی شدید داخلی شکمی شده، ضربه بر شکم باعث اصلی مرگ می‌تواند باشد و ضربات دیگر هم در ایجاد مرگ کمک کننده هستند. ولی به تنهایی نمی‌توانند باعث مرگ شوند. با عنایت به این که سریعاً به بیمارستان رسیده و اقدامات درمانی انجام گرفته (۱۰۲) و پزشک معاینه کننده جسد که بنابر پیشنهاد پزشکی قانونی و دستور دادگاه حاضر گردیده راجع به نوع جراحات وارده به مصدوم چنین تشریح کرده است: بریدگی به طول تقریبی دو سانتی متر در خلف و پایین قفسه

سینه سمت راست (دامیه) بریدگی به طول تقریبی هفت سانتی متر در زیر بغل سمت راست (متلاحمه) بریدگی در ناحیه میانی بالای شکم در قدام (جائفه) یک بریدگی به طول تقریبی هفت سانتی متر زیر بغل راست (متلاحمه) ... (۱۰۴) و کمیسیون پزشکی راجع به تعیین تقدیم و تأخر زمانی جراحات مذکور اظهار عجز نموده (۱۳۲)

در نهایت، این شعبه اولاً: از حیث ایراد سابق که راجع به دفاع مشروع متهمان مطرح گردیده و دادگاه مذکور با تحقیق و بررسی و رد آن به لحاظ عدم رعایت مقدمات و شرایط امر به معروف و نهی از منکر استدلال دادگاه را در اجرای بند "ج" ماده (۲۴) قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب پذیرفت و نسبت به آن اعلام انصراف نمود.

و ثانیاً: در قسمت دوم دادنامه دادگاه بدوی از حیث رد ادعای تردید قتل متهمین موصوف که بر اساس مدافعات وکیل متهمان در دادنامه سابق این شعبه مطرح و بر همان اساس هم (به عنوان علت دوم نقض) دادنامه صادره از شعبه ۱۳ دادگاه عمومی اهواز نقض گردیده، مجدداً استدلال‌هایی به شرح زیر مطرح و نتیجه دادنامه صادره از شعبه ۴ دادگاه عمومی اهواز نیز نقض گردید:

۱. شعبه ۱۳ دادگاه عمومی اهواز تحقیقات وسیع و قابل تقدیری را از حیث تحصیل نظریات پزشکی قانونی و کمیسیون پزشکی برای رفع شبهه و تردید در احتساب قتل به احدی از متهمان و تعیین آن در متهم ردیف یک متحمل شده، ولی بر خلاف نظر صریح کمیسیون مذکور در جلسه مورخ ۷۶/۲/۳: شعبه ۱۳ دادگاه مذکور و نیز شعبه ۴ دادگاه عمومی اهواز همان جراحات اولیه‌ای که بنا به اقرار متهم ردیف یک به شکم مقتول وارد شده از حیث زمانی مقدم بر سایر جراحات دانسته‌اند و همان جراحات را علت منحصره قتل تلقی کرده‌اند.

۲. بر خلاف اظهارات و اقرار متهمین و نظریات پزشکی که تعداد جراحات وارده را چهار عدد اعلام کرده‌اند، هر دو دادگاه یادشده جراحات را منحصر در سه فقره تلقی کرده و اعلام نموده‌اند.

۳. بر خلاف نظریات صریح پزشکی که سه جراحات وارده دیگر سواى جراحات وارده به شکم مقتول را نیز مؤثر در قتل دانسته و تشخیص داده‌اند، شعبه ۱۳ دادگاه عمومی اهواز، بلکه هر دو دادگاه یادشده، تأثیر سه جراحات دیگر را منتفی دانسته‌اند.

۴. برخلاف نظریات پزشکی که تشخیص و تعیین مباشر در جرح عمیق منتهی به فوت را غیرمقدور اعلام کرده‌اند، دادگاههای یاد شده متهم ردیف یک را مباشر آن اعلام کرده‌اند. ضمناً از نظریات پزشکی یادشده استفاده می‌شود که عمیق‌ترین جرح وارده عبارت بوده است از جراحات به طول تقریبی شش سانتی متر و

عمق تقریبی هفت سانتی متر که به زیر بغل سمت راست مقتول وارد شده و دادگاه اخیر نیز در متن دادنامه به آن تصریح کرده است که از یک طرف به نظر می‌رسد شدت و حدتی را که متهم ردیف یک به جرح داده است همین ضربه توسط او وارد شده باشد و از طرف دیگر، احتمال می‌رود که خونریزی داخلی هم در اثر همین جراحات باشد نه جراحات وارده به شکم مقتول.

۵. بدیهی است که در امور فنی و تخصصی، مرجع قضائی تابع تشخیص اهل فن و خبره می‌باشد و نمی‌تواند براساس استنباط شخصی تعیین مصداق و موضوع نماید و در مانحن فیه، اهل فن و کمیسیونهای پزشکی حتی به لحاظ اظهارات و اقرار متهمان نتوانسته‌اند احراز کنند که جراحات وارده به شکم مقتول همان جراحاتی بوده که به مباشرت متهم ردیف یک وارد شده یا یکی از جراحات وارده توسط متهم ردیف دوم بوده است و دادگاه دوم با تشخیص خود آن را منتسب به متهم ردیف یک دانسته و بر همان معیار حکم صادر کرده است و الزاماً همان جراحات وارده به احشا را منتسب به متهم ردیف یک دانسته است.

و در نهایت چنین اصدار رأی شد: اجمالاً این که نظریات پزشکی یادشده دقیقاً می‌رساند که جرح عمیق وارده به مقتول که علت تامه مرگ می‌باشد، مردد است بین یکی از چهار جرح وارده از سوی متهمین ردیفهای اول و دوم که براساس ماده (۳۱۵) قانون مجازات اسلامی باید دیه مقتول با قید قرعه بین دوطرف احتمال و شبهه پرداخت گردد و براساس موازین فقهی (جوهر ۹۰/۴۲ تا ۹۲ و ۲۱۸ تا ۲۱۹) دیه او بالسویه باید توسط افراد طرف شبهه پرداخت گردد و لذا رأی صادره در خصوص متهم ردیف یک مبنی بر قصاص نفس و در خصوص متهم ردیف دوم مبنی بر برائت (از حیث انتساب شرکت در قتل به نحو تردید) و با عنایت به اعتراض اولیای دم در قسمت دوم و اعتراض متهم و وکیل او در خصوص متهم ردیف یک، نقض و پرونده جهت رسیدگی مجدد به شعبه دیگری از دادگاههای عمومی اهواز ارجاع می‌گردد.

و پرونده به شعبه ۲۶ دادگاه عمومی اهواز ارجاع گردیده که بدواً ابراز عقیده کرده که پرونده باید در هیئت اصراری دیوان عالی کشور مطرح و رسیدگی شود و این شعبه طی شماره ۷۸/۵/۴ - ۷/۲۳۶ شماره ۷۸/۵/۴ با توضیح لازم، پرونده را جهت رسیدگی ماهیتی اعاده نمود.

و دادگاه یادشده به تاریخ ۷۸/۹/۱۵ از متهم ردیف یک بابت ... تحقیق کرده، وی اتهام ایراد یک جرح با چاقو به شکم مقتول را پذیرفته است و پس از وصول لایحه‌ای از سوی متهم ردیف یک در جلسه مورخ ۷۸/۱۰/۵، دادگاه هر دو متهم، خواسته‌اند که وکیل آنان در دادگاه حضور یابد و دفاع کند. لذا وقت رسیدگی تجدید گردیده.

و در جلسه مورخ ۷۹/۲/۱۴، دادگاه اولیای دم (محییس... و زهره... والدین) مقتول، علیه هر دو نفر متهم موصوف به عنوان مشارکت در قتل عمدی شکایت مجدد و درخواست رسیدگی و صدور حکم قصاص کرده‌اند و وکیل اولیای دم آقای احمد... ضمن بیان جملاتی تقاضای قصاص متهم ردیف یک را نموده و برای متهم ردیف دوم تقاضای محکومیت به حبس و پرداخت دیه جراحات را نموده و پس از آن اولیای دم خواسته خود را تغییر داده و مطابق خواسته وکیل تقاضای خود را مطرح کرده‌اند و وکیل متهمان مدافعات خود را بیان و در جلسه مورخ ۷۹/۲/۱۴ وکیل اولیای دم مدافعات متهمان و وکیل آنان را رد کرده است و در جلسه مورخ ۷۹/۴/۲۰ از شهود معرفی شده که اجمالاً اظهارات آنان حاکی است پس از ورود جراحات مذکور مصدوم توانسته است از دست متهمان نجات پیدا کند و اقدام به کارهایی کرده جهت مداوای خود و پس از آن مصدوم را به بیمارستان رسانده‌اند و اجمالاً اظهارات شهود مطابق با همان اقراریه و اظهارات متهمان است (چون پرونده نظم صحیح و صفحه‌شماری ندارد قید صفحات میسور نیست) و در نهایت، دادگاه طی دادنامه شماره ۴۸۴ - ۷۹/۴/۳۰، عنوان اتهام متهم ردیف یک را (مباشرت در جرح عمدی به وسیله چاقو منتهی به قتل آقای حسنعلی... فرزند محییس در مورخه ۱/۱/۱۸/۷۵) و اتهام متهم ردیف دوم را (ایراد سه جرح عمدی و یک عدد ضرب منجر به کبودی) عنوان کرده و با استناد به همان دلایل و مستندات مورد تمسک در آرای شعب ۱۳ و ۱۴ دادگاههای عمومی اهواز و رد دفاعیات مطرح شده مبنی بر مشروعیت دفاع از حریم و ناموس، مستنداً به همان مواد قانون مورد استناد دادگاههای قبلی، متهم ردیف یک بابت... را به قصاص نفس و متهم ردیف دوم (علیرضا...) را به پرداخت ۱/۸۰۰/۰۰۰ ریال ازش بابت دو جراحات دامیه و یک متلاحمه و پرداخت ۱/۵ - ۱۰۰۰ دیه کامله بابت کبودی زیر بغل در حق ورثه مقتول و تحمل یک سال حبس تعزیری با احتساب ایام بازداشت قبلی محکوم نموده است.

و پس از ابلاغ رأی دادگاه، آقای بابک... طی لایحه‌ای و وکیل محکومین نیز طی لایحه دیگری اقدام به تجدیدنظر خواهی نموده‌اند و به لحاظ سابقه، پرونده جهت رسیدگی به این شعبه ارجاع شده است.

هیئت شعبه در تاریخ بالا تشکیل گردید؛ پس از قرائت گزارش آقای حسن مصباح عضو ممیز و اوراق پرونده و نظریه کتبی آقای ابراهیم لشکری دادیار دیوان عالی کشور اجمالاً مبنی بر طرح در هیئات عمومی نسبت به دادنامه شماره ۴۸۴ - ۷۹/۴/۳۰ مشاوره نموده، چنین رأی می‌دهد:

بسمه تعالی

همان گونه که در آرای سابق مطرح گردید، بنابه جهات و علی که مذکور افتاد، اعتقاد این شعبه بر این است که در مباشرت در قتل موضوع پرونده تردید است بین متهم ردیف یک و متهم ردیف دوم پرونده؛ بلکه احتمال شرکت در آن نیز وجود دارد؛ زیرا بر اساس نظریات پزشکی مذکور، احتمال این که مجموع جراحات چهارگانه وارده توسط متهمان من حیث المجموع عامل قتل شده باشد که مورد را مشمول ماده (۲۱۴) قانون مجازات اسلامی قرار دهد، وجود دارد و با توجه به نظریات بعضی فقها (اعلی الله کلماتهم) مانند مرحوم مجلسی در روضه المتقین ج ۱۰ صفحه ۲۲۹: (قال رسول الله (ص): «ادروالحدود» ادفعو الحدود شامله للحد و التعزیر و القصاص «بالشبهات بکل ما اشتبه علیکم حتی فی المسأله کانت مشتبهه لتعارض الأدله او لعد مها ظاهراً) صدور حکم قصاص در مانحن فیه، خلاف احتیاط موازین می‌باشد؛ در حالی که هر دو دادگاه یادشده (شعبه ۴ و ۱۲ دادگاههای عمومی اهواز) با یک استدلال در صدور حکم قصاص و اصرار بر آن اقدام کرده‌اند و این شعبه همچنان به نظر خود باقی است. لذا در اجرای بند "ج" ماده (۲۶۶) قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری، پرونده جهت طرح در هیأت عمومی شعب کیفری دیوان عالی کشور به دبیرخانه ارسال می‌گردد.

رأی هیأت عمومی دیوان عالی کشور (اصراری)
 نظربه این که اعتراض مؤثری که نقض رأی تجدیدنظر خواسته را ایجاب نماید به عمل نیامده و از حیث رعایت ترتیبات و تشریفات رسیدگی نیز رأی مزبور فاقد ایراد می‌باشد؛ لذا دادنامه شماره ۴۸۴ - ۳۰/۱۴/۷۹ شعبه ۲۶ دادگاه عمومی اهواز که به موجب آن آقای بابک... در مورد قتل عمدی به قصاص نفس و علیرضا... به حبس و پرداخت دیه از بابت صدمات بدنی محکوم شده‌اند، به استناد بند "ج" ماده (۲۶۶) قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری با اکثریت آرا ابرام می‌شود.

